



درس هشتم

پیشوای اسوه

در درس گذشته با مسئولیت‌های پیامبر آشنا شدیم. یکی از مسئولیت‌های رسول خدا ﷺ، تشکیل حکومت و رهبری مسلمانان بود. در این درس به این سؤال می‌پردازیم که سیره و روش رهبری ایشان چگونه بود؟

رسول خدا ﷺ، اسوه رهبری

پیامبر اکرم ﷺ پس از سیزده سال تلاش برای هدایت مردم مکه، با دعوت مردم مدینه، به این شهر هجرت کرد و به فرمان خداوند، حکومت اسلامی را بنا نهاد. این حکومت، به تدریج گسترش یافت و در مدت ده سال، سراسر شبه جزیره عربستان را فراگرفت. آن حضرت، در ظرف این ده سال، به گونه‌ای زندگی کرد که در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی، از جمله در جایگاه رهبری از سوی خداوند به عنوان الگو و اسوه مؤمنان معرفی شد:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ
أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ
لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ
وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ۱
قطعاً برای شما در رسول خدا
سرمشق نیکویی است
برای کسی که امید دارد به خداوند
و روز رستاخیز
و خدا را بسیار یاد می‌کند.

برخی از ابعاد رهبری ایشان عبارت‌اند از:

۱- تلاش برای برقراری عدالت و برابری



یکی از اهداف مهم حکومت الهی رسول خدا ﷺ اجرای عدالت بود و ایشان در این مورد با قاطعیت عمل کرد و کوشید تا جامعه عادلانه‌ای بنا کند که در آن از تبعیض خبری نباشد و همه در برابر قانون الهی یکسان باشند. این اقدام پیامبر اکرم ﷺ در شرایطی انجام می‌گرفت که در جامعه آن روز حجاز و سایر کشورها، تبعیض و تفاوت طبقاتی یک قانون پذیرفته شده بود و کسی با آن مخالفت

نمی‌کرد. آن حضرت، درآمد بیت‌المال را میان مسلمانان به تساوی تقسیم می‌کرد و فرقی میان عرب و غیرعرب نمی‌گذاشت. با همه بردباری و ملایمتی که در برابر پیامی خود داشت، در برابر نادیده گرفته شدن حقوق افراد جامعه می‌ایستاد و کوتاه نمی‌آمد و متجاوزان حقوق مردم را در هر موقعیت و مقامی که بودند، مجازات می‌کرد.

نمونه

در زمان‌های گذشته، قبایل جایگاه مخصوصی داشتند و برخی قبایل برتر از برخی دیگر شمرده می‌شدند. روزی فردی از یکی از قبایل صاحب‌نام مدینه، دزدی کرد و جرم او ثابت شد. رؤسای

۱- سوره احزاب، آیه ۲۱.

قبیله فکر می‌کردند که رسول خدا ﷺ به دلیل جایگاهی که قبیلهٔ این فرد دارد، وی را مجازات نخواهد کرد؛ اما با کمال تعجب دیدند که پیامبر می‌خواهد حکم را اجرا کند. واسطه‌های مختلفی نزد رسول خدا ﷺ فرستادند، تا ایشان را از اجرای حکم منصرف کنند. حتی برخی نزدیکان رسول خدا ﷺ را واسطه قرار دادند، اما ایشان نپذیرفت و به آنان فرمود:

«اقوام و ملل پیشین بدین سبب، دچار سقوط شدند که در اجرای عدالت، تبعیض روا می‌داشتند؛ اگر شخصی قدرتمند و صاحب نفوذ از ایشان دزدی می‌کرد رهایش می‌کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می‌کرد وی را مجازات می‌کردند»^۱.

۲- محبت و مدارا با مردم

رفتار رسول خدا ﷺ با مردم به قدری محبت‌آمیز بود که مردم، ایشان را پدر مهربان خود می‌دانستند و در سختی‌ها به ایشان پناه می‌بردند. معمولاً اطرافیان یک رهبر برای اینکه خود را به او نزدیک کنند، عیب دیگران را نزد او بازگو می‌کنند، اما رسول خدا ﷺ به یاران خود می‌فرمود: **بدی‌های یکدیگر را پیش من بازگو نکنید؛ زیرا دوست دارم با دلی پاک و خالی از کدورت با شما معاشرت کنم**.^۲

هرکس به خانهٔ آن حضرت می‌رفت، به او احترام می‌گذاشت تا آنجا که گاهی ردای خود را زیر پای او پهن می‌کرد یا بر جای خود می‌نشاند. هرگز در مقابل یارانش پای خود را دراز نمی‌کرد و سعی می‌کرد تا وقتی که آنها نشسته‌اند، در کنارشان باشد. اگر دربارهٔ آخرت حرف می‌زدند با آنان همراهی می‌کرد؛ اگر دربارهٔ خوردنی و آشامیدنی و سایر امور روزمره سخن می‌گفتند، از روی لطف و مهربانی با آنان هم‌سخن می‌شد. گاهی در حضور پیامبر، شعر می‌خواندند، یا از گذشتهٔ خود می‌گفتند، در همهٔ این موارد، آنان را منع نمی‌کرد، مگر اینکه کار حرامی مانند غیبت کردن از آنان سر می‌زد؛ در این موارد بود که آنان را از ادامهٔ بحث باز می‌داشت.

۳- سخت‌کوشی و دلسوزی در هدایت مردم

پیامبر چنان علاقه‌مند به نجات مردم از گمراهی بود که سختی‌ها و آزارهای این راه، هرگز سبب دوری او از مردم نگردید و آن قدر برای هدایتشان شبانه‌روز تلاش کرد که خداوند در این باره خطاب به مسلمانان فرمود:

رنج شما برای او سخت و دشوار است و بر [هدایت] شما حریص (به شدت علاقه‌مند) است.^۳

۱- الطبقات الكبرى، ابن سعد، ج ۴، ص ۵۸.

۲- مسند أحمد بن حنبل، چاپ الرسالة، ج ۶، صص ۳۰۲-۳۰۱.

۳- سورهٔ توبه، آیه ۱۲۸.

با همهٔ این دلسوزی‌ها و زحمت‌ها، دشمنی سران قریش با ایشان روز به روز بیشتر می‌شد. می‌گفتند او ساحر و جادوگر است،^۱ می‌گفتند دیوانه است، بر سر و رویش خاکستر می‌پاشیدند، طعنه و نیش زبان به او می‌زدند. با وجود اینها، آن‌قدر با مهربانی و صبر و تحمل، به هدایت مردم ادامه می‌داد که گاه نزدیک بود از شدت غصه و اندوه فراوان از پا در آید که خداوند به او فرمود:

لَعَلَّكَ بِاِخْتِافِ نَفْسِكَ
 آلاَ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ^۲

شاید که جانت را [از شدت اندوه] از دست بدهی.
 از اینکه [مشرکان] ایمان نمی‌آورند.

فعالیت کلاسی ۱

به نظر شما چرا پیامبر تا این اندازه از ایمان نیاوردن برخی مردم اندوهگین می‌شد؟

امام علی عليه السلام که در بیشتر این صحنه‌ها در کنار رسول خدا صلى الله عليه وآله بود، دربارهٔ تلاش بی‌پایان پیامبر می‌فرمود: «پیامبر طبیعی ستیار بود، [برخلاف سایر طبیبان] او خود به سراغ مردم می‌رفت، داروها و مرهم‌هایش را خودش آماده می‌کرد و ابزارهای طبابت را با خود می‌برد تا بر هر جا که نیاز باشد مرهم بگذارد؛ بردل‌های کور، گوش‌های کر، زبان‌های گنگ؛ او با داروهای خویش، بیماران غفلت زده و سرگشته را درمان می‌کرد».^۳

آن حضرت، تلاش می‌کرد حتی کسانی را که با ایشان می‌جنگیدند هدایت کند و به سوی حق دعوت نماید. متکبران و برخی از بزرگان قبایل که تعالیم اسلام را به ضرر خود می‌دیدند، جنگ‌هایی را علیه آن حضرت به راه می‌انداختند، پیامبر صلى الله عليه وآله نیز به ناچار مسلمانان را برای مقابله با آنان بسیج می‌کرد. اما به آنان سفارش می‌کرد: «اگر کافری در جنگ کشته شد، او را مثله نکنید، کودکان و پیران و زنان را نکشید، حیوانات حلال گوشت را نکشید مگر اینکه برای تغذیه به آن احتیاج داشته باشید. هرگز آب مشرکان را زهرآلود نکنید و مزارع و نخلستان‌ها را نسوزانید».^۴ و در جای دیگری می‌فرمود: اگر در بحبوحهٔ جنگ، یکی از مشرکان خواست تا در مورد حقیقت اسلام مطالبی بداند، او در پناه اسلام است تا کلام خدا را بشنود، اگر اسلام را پذیرفت، او هم برادر دینی شماست و اگر قبول نکرد، او را به جایی که احساس امنیت می‌کند، برسانید و پس از آن خدا را برای غلبه بر او یاری بجوید.^۵

نمونه‌یابی

اگر نمونه‌هایی از دلسوزی پیامبر در هدایت مردم را به یاد دارید بیان کنید.

- ۱- سورهٔ مدثر، آیهٔ ۲۴.
- ۲- سورهٔ شعراء، آیهٔ ۳.
- ۳- نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۰۸، ترجمهٔ محمد دشتی.
- ۴- وسائل الشیعه، حرعاملی، ج ۱۵، ص ۵۸.
- ۵- اصول کافی، کلینی، ج ۵، ص ۲۷.

۴- مبارزه با فقر و محرومیت

رسول خدا ﷺ هم با فقر مبارزه می کرد و به دنبال بنای جامعه‌ای آباد و دور از محرومیت بود و هم با کوچک شمردن فقیران و بینوایان به مخالفت برمی خاست. از این رو، مردم را به کار و فعالیت تشویق می کرد، از بیکاری بدش می آمد و کسانی را که فقط به عبادت می پرداختند و به کار توجه نمی کردند، مذمت می کرد. در عین حال، به فقیران بسیار احترام می گذاشت و اجازه نمی داد که به خاطر فقر مورد بی توجهی قرار گیرند و فراموش شوند. برخی از آنها دوست صمیمی ایشان به شمار می رفتند. ثروت را ملاک برتری نمی شمرد. به آسانی با فقیرترین و محروم‌ترین مردم می نشست و صمیمانه با آنها گفت‌وگو می کرد، آنان نیز رسول خدا ﷺ را همدل و همراز خود می یافتند. آن حضرت به یاران خود می فرمود:

«به من ایمان نیاورده است کسی که شب را با شکم سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد»^۱.

بیشتر بدانیم

ترس از ثروتمند شدن!

رسول خدا ﷺ و یارانش در مجلسی نشسته بودند. تهیدستی که لباس کهنه‌ای به تن داشت وارد شد و در جای خالی کنار مردی ثروتمند نشست. مرد ثروتمند چهره درهم کشید و خودش را جمع و جور کرد و به کناری کشید.

پیامبر که رفتار او را دید، فرمود: ترسیدی از فقر او چیزی به تو برسد؟
آن مرد گفت: نه، یا رسول الله.

فرمود: ترسیدی از ثروت تو چیزی به او برسد؟
گفت: نه یا رسول الله.

پیامبر فرمود: ترسیدی لباس‌هایت در اثر تماس با او آلوده شود؟
گفت: نه، یا رسول الله.

فرمود: پس چرا خودت را جمع و جور کردی و از او فاصله گرفتی؟
آن مرد گفت: یا رسول الله، اعتراف می کنم که مرتکب خطا شدم و به جبران خطایم حاضرم نصف ثروتم را به این برادر مسلمان ببخشم.

مرد فقیر گفت: یا رسول الله، من نمی پذیرم.
حضار با تعجب پرسیدند: چرا؟!

مرد فقیر پاسخ داد: می ترسم بر اثر ثروت، من هم گرفتار غرور و خودخواهی شوم و روزی با برادر مسلمان خود این گونه رفتار کنم.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۶۶۸.

۵- ایجاد اخوت اسلامی

رسول خدا ﷺ با ارزش‌های جاهلی مبارزه کرد. یکی از این ارزش‌ها تعصب‌های قومی و نژادی بود. آن حضرت برتری عرب بر غیرعرب را که از سنت‌های غلط جاهلی بود، باطل کرد و هر گونه فخر و افتخار به این گونه مسائل را مذموم شمرد. ملاک وی در تقسیم‌بندی، تقوای انسان‌ها بود و سرلوحه کار آن حضرت، این آیه شریفه بود:

یا أَيُّهَا النَّاسُ
إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى
وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ
لِتَعَارَفُوا
إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ
إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ^۱

ای مردم،
همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم
و شما را اقوام و قبیله‌ها قرار دادیم
تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید.
بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست
همانا که خداوند دانای آگاه است.

رسول خدا ﷺ در مدینه، حکومت اسلامی را بنا کرد و به طور طبیعی، افراد پیرامون وی بیشتر از مردم مدینه و مکه بودند. اما اگر افرادی غیرعرب، ایمان می‌آوردند و در جمع مؤمنان قرار می‌گرفتند عزت و شرافتی مانند دیگران می‌یافتند و متناسب با توانایی‌شان مسئولیت می‌گرفتند. در میان صمیمی‌ترین یاران وی، شخصیت‌هایی چون سلمان از ایران و بلال از حبشه به چشم می‌خورد که گویای توجه وی به همه انسان‌ها از هر نژادی بوده است.

بیشتر بدانیم

ملاک برتری: نژاد یا ...؟

روزی تعدادی از مردم مکه دور هم جمع شده بودند که مسلمانان نیز در میان آنان بودند. هر کدام با تعصب، قبیله خود را معرفی می‌کرد و بدان افتخار می‌نمود. در این میان، شخصی رو به سلمان کرد و گفت: سلمان! بگو بدانم تو کیستی؟ پدر تو کیست؟ و اصل و ریشه‌ات چیست؟ سلمان گفت: اسم من سلمان و پدرم بنده خداست، من قبل از اسلام گمراه بودم و خداوند متعال به برکت محمد ﷺ هدایت‌م کرد، نیازمند بودم و خداوند به برکت محمد ﷺ بی‌نیازم نمود، برده بودم و خداوند به برکت محمد ﷺ مرا از قید بردگی آزاد ساخت، این حسب و نسب من است.

۱- سوره حجرات، آیه ۱۳.

در همان حال رسول خدا ﷺ وارد آن جمع شد. ایشان با شنیدن گفت‌وگوهای آن جماعت، آنان را این‌گونه مورد خطاب قرار داد: ای جماعت قریش! این را بدانید که، شرافت انسان به‌دینداری او، مروّت و انسانیت او به خصلت‌های اخلاقی وی، و اصالت انسان به عقل و اندیشه اوست.

سپس پیامبر ﷺ سلمان را مخاطب قرار داد و فرمود: سلمان! این را بدان که هیچ‌کدام از اینان بر تو فضیلت و برتری نخواهند داشت، مگر اینکه از تو پرهیزگارتر و با تقواتر باشند، اما اگر تو تقوا داشته باشی، پس تو افضل و برتر خواهی بود.^۱

سلمان فارسی بر اثر عمل به تعالیم پیامبر اکرم ﷺ به جایگاهی رسید که سایر صحابه رسول خدا ﷺ به آن مقام نرسیدند، به‌گونه‌ای که رسول خدا در باره‌اش فرمود: «سلمان از ما اهل بیت است».^۲

مهم‌ترین ثمره اخوت مسلمانان با یکدیگر، به‌وجود آمدن قدرت بزرگی است که زورگویان و مخالفان با اسلام را از تجاوز به حقوق ملت‌های مسلمان باز می‌دارد و فرصت پیشرفت مسلمانان را فراهم می‌کند. اما با کمال تأسف مشاهده می‌کنیم که در یکی دو قرن اخیر، دشمنان اسلام با یک نقشه دقیق و برنامه‌ریزی شده، همبستگی مسلمانان را به دشمنی با یکدیگر تبدیل کرده و اختلافات معمولی اقوام و مذاهب اسلامی را بزرگ جلوه دادند. یکی از نتایج زیان‌بار این اختلاف‌ها، تجزیه کشورهای بزرگ اسلامی به کشورهای کوچک در سده اخیر بود تا قدرت‌های استعمارگر به راحتی بتوانند بر آنها سلطه پیدا کنند و ذخایر آنان را به تاراج ببرند. این سیاست اکنون نیز از سوی این قدرت‌های استعماری در کشورهای منطقه در حال اجراست.

با توجه به همین مسئله، سال‌هاست که علما و دانشمندان دلسوز در جهان اسلام، به‌خصوص در ایران، روشنگری‌های فراوانی کردند تا بار دیگر، مسلمانان را علیه دشمنان اسلام متحد کنند و مانع درگیری‌های میان آنان شوند. یکی از این علما، امام خمینی رحمته‌الله بود. ایشان در هر فرصتی، مسلمانان را به «وحدت» دعوت می‌کرد و از اختلافات بازمی‌داشت. ایشان در یکی از پیام‌های خود به مسلمانان، می‌فرماید:

«ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پا خیزید و در زیر پرچم توحید و در

۱- روضه کافی، کلینی، ص ۱۸۲؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۲۲، ص ۳۸۲.

۲- بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۹.

سایهٔ تعلیمات اسلام مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرت‌ها را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید... دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلامی تکیه کنید و با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید»^۱.

بیشتر بدانیم

هفتهٔ وحدت

یکی از ابتکارات جالب جمهوری اسلامی، تبدیل یک موضوع به ظاهر اختلافی میان اهل سنت و شیعیان، به یک عامل وحدت بود. برخی مورخان اهل سنت، تولد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دوازدهم ربیع‌الاول و برخی مورخان شیعه، تولد ایشان را هفدهم ربیع‌الاول ذکر کرده‌اند؛ به همین جهت، برخی مسلمانان روز دوازدهم ربیع و برخی دیگر روز هفدهم ربیع را به عنوان سالروز تولد پیامبر گرامی می‌دارند.

جمهوری اسلامی بدون اینکه این تفاوت تاریخی را کنار بگذارد، ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول را روزهای گرامی داشت شخصیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هفتهٔ وحدت اعلام کرد. اکنون بسیاری از مسلمانان که به برادری و وحدت مسلمانان علاقه‌مندند، از دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول را گرامی می‌دارند و از این فرصت چندروزه برای جشن و شادمانی استفاده می‌کنند و به معرفی بیشتر شخصیت پیامبر می‌پردازند. البته متأسفانه کسانی که فقط به دنبال نزاع و اختلاف‌اند، با همین ابتکار هم مخالفت می‌کنند و در همین ایام، بر تبلیغات اختلافی خود می‌افزایند.

برنامه‌ای برای وحدت مسلمانان

برای اینکه ما مسلمانان بتوانیم وحدت میان خود را تقویت کنیم و از قدرت حدود دو میلیارد مسلمان و امکانات بی‌نظیر سرزمین‌های اسلامی برای پیشرفت خود استفاده کنیم، نیازمند اجرای برنامه‌های دقیقی هستیم که نقشه‌های تفرقه‌افکنانهٔ استعمارگران و عوامل آنان را در سرزمین‌های اسلامی خنثی کند و دل‌های مسلمانان را به یکدیگر نزدیک کند. در اینجا به برخی از این اقدامات، اشاره می‌کنیم و می‌کوشیم آنها را در جامعهٔ خود گسترش دهیم:

۱- خود را از سایر مسلمانان دور ندانیم و برای پیشرفت جهان اسلام و پیروزی و سربلندی مسلمانان، در تمام نقاط جهان تلاش کنیم و به این سخن پیامبر گرامی توجه کامل داشته باشیم که فرمود:

۱- صحیفهٔ امام خمینی رحمته‌الله علیه، ج ۱۴، ص ۸۳.

مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.

«کسی که صبح کند و در اندیشه رسیدگی به سایر مسلمانان نباشد، مسلمان نیست».^۱

۲- از اهانت و توهین به مقدّسات سایر مسلمانان خودداری کنیم. کسانی که می‌خواهند مسلمانان را با هم دشمن کنند، با استفاده از همین توهین‌ها، بذر دشمنی را میان مسلمانان می‌کارند و در موقع مناسب، محصول آن را درو می‌کنند تا به هدف خود برسند.

۳- از مظلومان در تمام نقاط جهان، با روش‌های درست دفاع کنیم و برای رهایی آنان از ظلم بکوشیم، و به این سخن رسول خدا ﷺ به خوبی عمل کنیم که فرمود:


«هرکس فریاد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می‌طلبد بشنود، اما به یاری آن مظلوم برنخیزد، مسلمان نیست».^۲

۴- اعتقادات خود را با دانش و استدلال، ارتقا ببخشیم تا بتوانیم با دیگر مسلمانان براساس معرفت و استدلال سخن بگوییم و اعتقادات خود را به نحو صحیح و بدون نزاع و ناسزاگویی بیان کنیم. دفاع منطقی از اعتقادات، نه تنها سبب تفرقه و جدایی نمی‌شود، بلکه دل‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند. بنابراین، لازم است برنامه‌ای برای شناخت بیشتر معارف قرآن، سیره و سنت پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام تنظیم کنیم.

فعالیت کلاسی ۲

به نظر شما ما برای شناخت بیشتر معارف قرآن و تقویت اعتقادات خود، باید چه برنامه‌ای برای خود تنظیم کنیم؟

۵- کسانی را که به ظاهر، خود را مسلمان می‌نامند، ولی با دشمنان اسلام دوستی می‌ورزند، بشناسیم و فریب برنامه‌های آنان را نخوریم. روش این گروه‌ها چنین است که دشمنان اسلام مانند صهیونیست‌ها را دوست و برخی مسلمانان را دشمن معرفی می‌کنند؛ به طوری که مردم عادی به تدریج با دشمنان واقعی اسلام دوستی کنند و با گروهی از مسلمانان، دشمنی بورزند.

فیلم (۱): دلبه یک قیچی! 

فعالیت کلاسی ۳

با کمک دوستان خود، نمونه‌ای از این گروه‌ها و برنامه‌های آنان را بیان کنید.

۱- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۶۳.

۲- «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي بِاللِّمْسَلِيمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۶۴.

حامیان وحدت



آیت‌الله سیدحسین طباطبایی بروجردی، معروف به آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه، یکی از بزرگ‌ترین مراجع تقلید در دورهٔ معاصر بود. ایشان بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ هـ.ش ریاست حوزهٔ علمیهٔ قم را بر عهده داشت و اکثریت شیعیان جهان برای دریافت احکام دینی به کتاب‌های ایشان مراجعه می‌کردند. ایشان به خوبی دریافته بود که یکی از عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان، اختلاف و جدایی آنان است و متوجه بود که استعمارگران با برنامه‌های سری به دنبال ایجاد اختلاف میان مسلمانان‌اند. از این‌رو، در سال ۱۳۲۷ هـ.ش، با حمایت‌های ایشان و با

کمک برخی از علمای سرشناس دانشگاه الازهر مصر، مرکزی به نام «دارالتقريب بين المذاهب الاسلامية» تأسیس شد و ایشان با فرستادن نمایندگان به «دانشگاه الازهر» که بزرگ‌ترین دانشگاه مذهبی مصر و کشورهای عربی بود، زمینه‌های ارتباط را فراهم کرد.



در آن دوره، ریاست دانشگاه الازهر بر عهده «شیخ محمود شلتوت» بود. وی از پیشنهادهای آیت‌الله بروجردی استقبال کرد. این شخص که از بزرگ‌ترین دانشمندان اهل سنت شمرده می‌شد و ریاست بزرگ‌ترین دانشگاه مذهبی مصر را بر عهده داشت، به شدت مخالف گروه‌های تکفیری^۱ بود و در مقابل آنها می‌ایستاد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، «دارالتقريب» با جدیت بیشتر به کار خود ادامه داد و برنامه‌های

۱- به گروه‌های تندرو و افراطی گفته می‌شود که به نام اسلام سایر مسلمانان را متهم به کفر و شرک می‌کنند؛ مانند وهابیت و داعش.

مختلفی را به اجرا درآورد. یکی از این برنامه‌ها، برگزاری «هفته وحدت» و دیگری «کنفرانس سالانه وحدت اسلامی» است که دانشمندان جهان اسلام گرد هم جمع می‌شوند و درباره مسائل دنیای اسلام گفت‌وگو می‌کنند.

فیلم (۲): نگاهی به فعالیت‌های وحدت آفرین آیت‌الله بروجردی و شیخ شلتوت 